

فرار مغزها در عصر جهانی شدن

علی علی‌آبادی

سوژل پیگیری طرحهای پژوهشی جهاد دانشگاهی علامه طباطبائی

مجلهنامه مطالعات راهبردی • سال چهارم • شماره چهارم • زمستان ۱۳۸۰ • شماره مسلسل ۱۲

مقدمه

سعدیا! حب وطن، گرچه حدیثی است صحیح
توان مُرد به سختی، که من این جا زادم

در عصر حاضر، به علت انقلاب در فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطاتی (ICTs)^۱، فرآیند جهانی شدن تبلور فزاینده‌ای یافته است؛ که شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و شبکه جهانی اینترنت نمودهای عینی آن است. در عصر جهانی شدن، اقتصاد صنعتی موج دومی، به اقتصاد موج سوم یا اقتصاد دانش محور^۲ تغییر ماهیت داده است. در این نوع اقتصاد، اطلاعات، همچون یک کالای اقتصادی در فرآیند تولید، توزیع و مصرف جایگاه ممتازی به دست آورده است. در همین زمینه، متخصصان و اندیشه‌گران، به مثابه نیروی مولد این کالای گرانبها، بیش از پیش صاحب قدر و منزلت گشته‌اند، به طوری که از آنها به عنوان سرمایه‌انسانی یاد می‌شود. نیاز اقتصاد سرمایه‌داری به ویژه در عرصه فناوری برتر موجب شده است که کشورهای توسعه یافته درصد جذب نخبگان و متخصصان کشورهای در حال توسعه برآیند؛ چنان که در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۱ میلادی سازمان ملل متحد آمده است: «ملل ثروتمند مرزهایشان را به روی متخصصان کشورهای در حال توسعه گشوده‌اند، که این امر، هزینه‌های زیادی برای کشورهای مبدأ (مهاجر فرست) در پی دارد. برای مثال، سالانه در حدود یکصد هزار نفر متخصص هندی، به ویژه متخصصان صنعت کامپیوتر، منتظر دریافت روایت از کشور ایالات متحده آمریکا هستند. هندوستان برای آموزش و پرورش هر متخصص، سالیانه متحمل پانزده تا بیست هزار دلار هزینه می‌شود؛ این امر به آن معناست که، کشور هندوستان هر سال دو میلیارد دلار متضرر می‌شود و در مقابل، آمریکا هر ساله

1. Information And Communication Technologies.

2. Knowledge - Based Economy

به همین نسبت منفع می‌گردد. (۱)

با عنایت به این که طی سالهای اخیر، موج جدیدی از مهاجرت سرمایه انسانی گسترش یافته است، نویسنده می‌کوشد تا در این مقاله، نسبت میان فرآیند جهانی شدن و فرار مغزها را به تأمل و ژرف‌کاوی کشد.

۱- سابقه تاریخی پدیده فرار مغزها

پدیده مهاجرت، تاریخ دیرینه‌ای دارد، اما مهاجرت انبوه و گسترده انسانها پس از انقلاب صنعتی و گسترش زندگی شهرنشینی رخ داد:

«در قرون گذشته، شتاب رشد وضعیت اقتصادی و سیاستهای مختلف دولتها باعث شد که یونانیها، یهودیان، فبایل ژرمن، اهالی اسکانديناوی، ترکها، روسها، چینها و ملت‌های دیگر دست به مهاجرت بزنند... بین سالهای ۱۸۲۱ میلادی و ۱۹۲۴ میلادی حدود پنجاه و پنج میلیون نفر اروپایی به ماوراء بحار و سی و چهار میلیون تن به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کردند.» (۲)

مهاجرت متخصصان و نخبگان که در متون و نوشته‌های مربوطه از آن به «فرار مغزها» یاد می‌شود، عمدتاً در قرن بیستم مطرح شد. پس از خاتمه جنگ جهانی اول و به قدرت رسیدن هیتلر در آلمان، سیاستهای نژادپرستانه‌ای تدوین و اجراء شد که بسیاری از اقلیتهای دینی نظیر یهودیان تحت آزار و اذیت و محرومیت از حقوق اجتماعی و انسانی خویش قرار گرفتند. در نتیجه بسیاری از متخصصان و اندیشه‌گرانی همچون ماکس هورکهایمر، تئودور آدورنو، هربرت مارکوزه و... مجبور به جلای وطن شدند: «نازها با بیرون راندن یا نابود کردن برخی از بهترین مغزهای علمی اروپا، که بسیاری از آنان یهودی بودند، شدیداً به کارایی نظامی خود لطمه زدند. متفقین به جستجوی این مغزها پرداختند و آنان را در پروژه «مانهاتان» که نخستین بمب اتمی را تولید کرد، به کار گماردند. دیگران نقشهای برجسته‌ای در زمینه‌های گوناگون از مطالعات استراتژیک [راهبردی] و علوم سیاسی گرفته تا روانکاوای به عهده گرفتند.» (۳)

به دنبال این وقایع و پس از جنگ جهانی دوم، مسأله فرار مغزها، به مطالعه جدی درآمد: «تا دهه ۱۹۶۰ میلادی این مسأله از دیدگاه اقتصادی بررسی می‌گردید. در آغاز دهه ۱۹۷۰ میلادی مسأله [فرار مغزها] از ابعاد اجتماعی و فرهنگی و مقایسه کشور مبدأ و مقصد و در قالب الگوهای مهاجرت پیگیری شد. در دهه ۱۹۸۰ میلادی بجای بحث از «فرار مغزها» از اصطلاح «چرخش مغزها» استفاده شد. (۴) اما اینک عده‌ای بر این اعتقادند که در کشورهایی مثل تایوان و کره جنوبی چرخش مغزها و در برخی دیگر از کشورها مانند هندوستان فرار مغزها وجود دارد. (۵)

در کشورهای در حال توسعه، پدیده مهاجرت نخبگان و متخصصان از دهه ۱۹۶۰ میلادی

مطرح و باعث نگرانی این کشورها شد. عموماً روند تاریخی مهاجرت را در صد سال اخیر ایران، به سه دوره تقسیم می‌کنند:

اول. دهه‌های چهل و پنجاه هجری شمسی
دوم. مقطع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در پی آن، دوره انقلاب فرهنگی و تعطیل شدن دانشگاهها
سوم. دوره اخیر مهاجرت که از سال ۱۳۶۷ هـ ش شروع و در سال ۱۳۷۷ هـ ش شتاب بیشتری گرفت. (۶)

برخی دیگر از تحلیلگران، پدیده مهاجرت را در ایران، در قالب سه موج مهاجرت دسته‌بندی می‌کنند: «موج اول مهاجرت بعد از واقعه ۱۷ شهریور ۵۷، موج دوم مهاجرت در واپسین روزهای بهار ۶۰ هـ ش و بعد از غائله درگیریهای خیابانی سازمان مجاهدین خلق و سرانجام سومین موج مهاجرت پس از واقعه هیجده تیر کوی دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز در سال ۱۳۷۸ هـ ش به راه افتاد.» (۷)

۲- وضعیت متخصصان ایرانی مقیم خارج

طبق آمار «اداره خدمات تابعیت جوی و توطن آمریکا»، تعداد ایرانیانی که زیر عنوان دانشجوی وارد این کشور شده بودند، از ۹۹۷ نفر در سال ۱۹۶۰ م به ۴۸۳۲ نفر در سال ۱۹۷۳ م رسید. بر اساس همین گزارش در سال ۱۹۷۳ م، حدود ۱۷ درصد دانشجویان ایرانی بعد از ورود به آمریکا درخواست اقامت دائم کرده‌اند. طبق آمار مؤسسه بین‌المللی آموزش^۱، در سال تحصیلی ۷۴-۱۹۷۳ م، در مجموع ۹۶۲۳ دانشجوی ایرانی در آمریکا تحصیل می‌کردند که از این تعداد ۷۱ درصد در مقطع کارشناسی، ۲۲ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر، ۲ درصد در سطح تخصصی و فوق دکتری و بقیه در سایر مقاطع درس می‌خوانده‌اند. اگر فرض کنیم که حدود ۱۷ درصد مجموع این دانشجویان در آمریکا ماندند این رقم ۱۶۳۵ نفر خواهد بود.

طبق آمار سرشماری سال ۱۹۹۰ م آمریکا، حدود ۲۲۰ هزار نفر خود را ایرانی تبار معرفی کرده‌اند و حدود ۷۷ درصد آنها تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. بر اساس همین سرشماری بیش از ۱۵ درصد ایرانیان دارای تحصیلات دانشگاهی که از دانشگاههای غیر از آمریکا فارغ‌التحصیل شده‌اند، به آمریکا مهاجرت کرده‌اند و ۲۵ درصد ایرانیان دارای تحصیلات عالی روانه سایر کشورهای عضو «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»^۲ شده‌اند.

بر اساس آمار سازمان ملل در سال ۱۹۹۳، حدود ۲۴۰ هزار نفر ایرانی دارای تحصیلات عالی

در آمریکا زندگی می‌کردند که از این تعداد ۱۸۶۲ نفر عضو هیأت علمی تمام وقت و حدود ۳۲۰۰ نفر عضو هیأت علمی نیمه وقت بوده‌اند. بیشتر اعضای هیأت علمی تمام وقت رتبه علمی دانشجویی و استادی دارند.

جالب این که تعداد اعضای هیأت علمی تمام وقت در کل مراکز آموزش عالی ایران (با رتبه دانشیار و استاد) در سال ۷۶-۷۵ حدود ۱۹۰۰ نفر بوده است.

بنا به آمار مربوط به بانک اطلاعات علمی متخصصان دفتر خدمات مهاجرتی آمریکا، تا سال ۱۹۹۷م، مشخصات ۳۷/۳۶۲ نفر ایرانی با تحصیلات کارشناسی و بالاتر در این بانک ثبت شده است. از این تعداد ۲۹ درصد در سطح دکتری، ۳۳ درصد در سطح کارشناسی ارشد و بقیه در سطح کارشناسی بوده‌اند. توزیع این متخصصان برحسب رشته آموزشی به ترتیب بیشترین مقدار مربوط به گروه فنی و مهندسی با ۴۹ درصد و کمترین مقدار مربوط به کشاورزی با کمتر از چهار درصد است.

طبق برآورد، حدود ۲۰۰ هزار نفر ایرانی در آلمان و فرانسه زندگی می‌کنند که تخمین زده می‌شود حدود ۶۰ درصد از آنان تحصیلات عالی دارند. علاوه بر این، تعداد زیادی ایرانی در سایر کشورها مقیم‌اند که بسیاری از آنان از تحصیلات عالی برخوردارند.

بر اساس اطلاعات رسیده، کلیه ورودیهای دانشگاهها و مراکز آموزش عالی با رتبه دو رقیمی (۹۹-۱)، در سال دوم ورود به دانشگاه برای ادامه تحصیل پس از دوره کارشناسی، نامه‌ای از بهترین دانشگاههای دنیا با بهترین امکانات دریافت می‌کنند. قریب به ۹۰ نفر از ۱۲۵ نفر دانش آموزی که طی سه سال گذشته در المپیادهای مختلف علمی صاحب مقام شده‌اند، در یکی از بهترین دانشگاههای آمریکا تحصیل می‌کنند که امید به بازگشت آنها به میهن تنها ۳ درصد است. آمار متقاضیان تغییر اقامت از جمهوری اسلامی ایران به سایر کشورها در سال ۱۳۷۷ نشان می‌دهد که از مجموع ۴۱۲ نفر متقاضی، تعداد ۳۹۰ نفر از آنان را افراد تحصیل کرده دارای مدارک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری تشکیل می‌دهد. (۸)

بعد از جریان ۱۸ تیر کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸، موج عظیم مهاجرت سرمایه‌های انسانی به راه افتاد به گونه‌ای که بر اساس سخنان معاون وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، طی سالهای ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ در حدود سیصد و ده هزار نفر صاحب نظر، متفکر و متخصص به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند. (۹)

۳. چیستی مهاجرت و اشکال متنوع آن

بین مفاهیم مهاجرت^۱ و فرار مغزها نسبت و رابطه منطقی عموم و خصوص مطلق وجود دارد. بدین معنا که مهاجرت مفهومی عام است که فرار مغزها تنها یکی از اشکال آن است. مهاجرت داخلی و خارجی، اختیاری و غیراختیاری، اولیه و ثانویه، محافظه کارانه و بدعت گذارانه، چرخش نخبگان (مغزها) و... اشکال دیگر پدیده مهاجرت تلقی می شوند.

بر اساس نظر اورت لی مهاجرت عبارت است از «تغییر دائمی یا نیمه دائمی مسکن، بدون هیچ محدودیتی در مورد فاصله حرکت و ماهیت اختیاری یا اجباری مهاجرت، همچنین بدون هیچ گونه تمایزی بین مهاجرت داخلی یا خارجی» (۱۰)

منگلام و شواز زولر با رویکردی جامعه شناختی به پدیده مهاجرت، ویژگیهای این پدیده را چنین بر شمرده اند:

۱- حرکت شرط لازم مهاجرت است، اما شرط کافی آن نیست.

۲- مهاجرت امری جمعی است و دلایل و انگیزه‌های آن تحت تأثیر شرایط اجتماعی است.

۳- مهاجرت امری تصادفی و آتی نیست بلکه فرآیندی پیچیده است که بر پایه سلسله مراتبی از ارزشها قرار دارد.

۴- مهاجرت منجر به تغییر نظام کنش متقابل مهاجر می شود.

آنها در پایان، مهاجرت را بر اساس ویژگیهایش چنین تعریف می کنند:

«مهاجرت حرکتی نسبتاً جمعی و دائمی از مکانی به مکان دیگر است که در این حرکت

مهاجران بر اساس سلسله مراتبی از ارزشها یا هدفهای یا ارزش فرهنگی تصمیم به مهاجرت

می گیرند و نتیجه این حرکت تغییر در نظام کنش متقابل مهاجران است» (۱۱)

انتقاد وارده بر تعریف فوق این است که انگیزه‌های معیشتی را نادیده گرفته است.

«اداره امور اجتماعی سازمان ملل» با طرح مجموعه‌ای از ویژگیهای سلبی، تعریفی عملیاتی از

پدیده مهاجرت به دست داده است؛ از نظر اداره مذکور کسانی مهاجر تلقی می شوند که:

الف - جهانگرد، بازرگان، دانشجو و یا مسافر عادی نباشند.

ب - ساکنان نواحی مرزی نباشند (که به طور عادی بین دو کشور رفت و آمد می کنند).

ج - جزو پناهندگان یا افراد یا جمعیت‌های جا به جا شده یا انتقال یافته نباشند.

پس کسانی مهاجر قلمداد می شوند که در جستجوی شغلی دائمی، فصلی یا موقت در سطح

جغرافیایی جا به جا شوند. (۱۲)

۱-۳. مهاجرت اولیه و ثانویه

ر.جی. لثم میان مهاجرت اولیه و ثانویه تفکیک قائل می‌شود: مهاجرت اولیه به معنی تصرف ناحیه‌هایی است که در سابق غیرمسکونی بود؛ در حالی که مهاجرت ثانویه متضمن تماس و برخورد با جمعیتی بومی و در نتیجه مستلزم انطباق اجتماعی است. مهاجرت‌های ثانویه غیر از مهاجرت‌های اولیه است. این قبیل مهاجرت‌ها با کندی بیشتری صورت می‌گیرند، چون مسأله پایداری و مقاومت یک جامعه انسانی در مقابل جامعه‌ای دیگر مطرح است؛ و نیز به خاطر آن که نظر به خلع ید دارند، خشونت‌بار به شمار می‌روند. این مهاجرت‌ها جزئی و ناقصند و پیامد آنها حسب مورد، آمیختن جمعیت‌های مختلف و یا انقراض و انهدام آنهاست.

۲-۳. مهاجرت داخلی و خارجی

ر.مایو اسمیت میان مهاجرت داخلی و خارجی تمییز قایل می‌شود: مهاجرت داخلی در درون محدوده‌های یک کشور انجام می‌گیرد اما مهاجرت خارجی از مرزهای بین‌المللی گذشته و به «برون کوچی» و «درون کوچی» منجر می‌شود.

۳-۳. مهاجرت اختیاری و اجباری

اغلب مهاجرت‌ها پاسخی است اختیاری به این انتظار که تحرک مکانی به افزایشی در خوشنودی و رضامندی کلی یا به کاهش محرومیت منجر خواهد شد. اما مهاجرت‌های اجباری نیز وجود دارد. این نوع مهاجرت‌ها مربوط به کسانی است که از سرزمین اصلی‌شان رانده شده یا به بردگی گرفته شده و گرفتار انتقال‌های اجباری جمعیت گشته‌اند؛ یا مربوط به کسانی است که بر اثر آزار مذهبی و سیاسی متوسل به پناهندگی شده‌اند. گروه اخیر که مجبور به مهاجرت می‌شوند، گاهی اوقات، به دلیل نپذیرفته شدن مهاجران در کشور دیگر، خود را ناتوان از کامل کردن جریان مهاجرت می‌یابند و به این ترتیب، ناگزیر می‌شوند که در اردوگاه‌های مخصوص آوارگان و رانده‌شدگان تحت نظارت بین‌المللی باقی بمانند.

۴-۳. مهاجرت محافظه کارانه و مهاجرت بدعت‌گذارانه

برخی از متفکران، مهاجرت را از دیدگاه دیگری به مهاجرت محافظه کارانه و مهاجرت بدعت‌گذارانه تقسیم کرده‌اند. اولی به منظور حفظ و حراست از یک شیوه و سبک زندگی صورت می‌گیرد و دومی متضمن تغییرات بنیادی در شیوه زندگی است. (۱۲)

۳-۵. چرخش مغزها^۱ وضعیتی است که نیروهای متخصص کشورهای در حال توسعه به دلایلی نظیر ادامه تحصیل و تجربه زندگی صنعتی، به کشورهای توسعه یافته مهاجرت می‌کنند و پس از طی یک دوره زمانی برای دستیابی به فرصتهای شغلی و اجتماعی برتر به موطن خود بازمی‌گردند و برخی دیگر از همین مهاجران متخصص، بصورت مستمر، بین کشورهای مبدأ و مقصد در رفت و آمد هستند. (۱۲)

۳-۶. فرار مغزها^۲ عبارت فرار مغزها که به معنی مهاجرت متخصصان و نخبگان به کشورهای توسعه یافته است «تداعی گر نوعی اجبار در مهاجرت این نشر نیز هست، زیرا drain به معنی خشک شدن زمین، نشانه‌ی حالتی از جبر طبیعی است که مهاجرت را برای بقا و زندگی (در اینجا استمرار حیات علمی و تخصصی) ناگزیر می‌سازد.» (۱۵)

۴. فرار مغزها در عصر جهانی شدن

پدیده‌های اجتماعی عموماً و پدیده‌ی نرار مغزها خصوصاً پیچیده، متکثر، ذی بطون و همواره در حال تغییر و «شدن» می‌باشند؛ از این رو می‌توان بر اساس نظریه‌های گوناگون به توصیف (چگونگی) و تبیین (چرایی) وقوع آنها پرداخت. محققان عموماً پدیده‌ی فرار مغزها را بر اساس «مدل جاذبه و دافعه» مورد تحقیق و تتبع قرار می‌دهند. از آنجا که این مدل شرایط ساختاری داخلی و خارجی کشورهای مبدأ و مقصد را به طور همزمان در فرآیند پژوهش ملحوظ می‌دارد، یکی از قوی‌ترین مدل‌های تبیین کننده‌ی پدیده‌ی فرار مغزهاست.

با عنایت به این که، تمدن بشری، هم اینک به واسطه‌ی انقلاب در فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطاتی به طرز کم سابقه‌ای (اگر نگوییم بی سابقه) دستخوش تحولات بنیانی شده است و هر لحظه متغیرهای نوینی تقاب از چهره برمی‌کشند، در ادامه سعی می‌شود، پدیده‌ی فرار مغزها بر اساس نظریه جهانی شدن تحلیل شود.

۴-۱. تعریف جهانی شدن^۳

در زبان فارسی برای واژه فوق معادلهایی چون «جهانی گستری» (۱۶)، «جهانگیر کردن یا جهانگیر گردانی» (۱۷)، «جهانی سازی»، «جهانگیر شدن» (۱۸) و «جهانی شدن» وضع شده است. از

میان معادله‌های یاد شده «جهانی شدن» رواج بیشتری دارد، از این رو در این مقاله به لحاظ رواج عام «جهانی شدن» همین معادل به کار خواهد رفت. مفهوم جهانی شدن از آن دست مفاهیمی است که متفکران و اندیشه‌گران علوم انسانی و اجتماعی تعاریف متعددی از آن به دست داده‌اند که پاره‌ای از آنها به شرح ذیل است: یک. آتونی گینز، جامعه‌شناس شهیر انگلیسی جهانی شدن را برای تبیین وابستگی متقابل و فزاینده جامعه جهانی^۱ به کار می‌برد. (۱۹)

دو. رابرتسون جهانی شدن را «احساس یکی شدن» تلقی می‌کند. (۲۰)
سه. کداکریسی دیان جهانی شدن را «تجربه دنیا به مثابه یک مکان واحد و منفرد» تعریف می‌کند. (۲۱)
چهار. پیروز مجتهدزاده این فرآیند را «جهانی شدن خواستها و منافع ملی ملتها» تعریف می‌کند. (۲۲)

در نهایت و در تکمیل تعاریف فوق می‌توان گفت که جهانی شدن عبارت است از فشرده شدن زمان و مکان و پیدایش وابستگی متقابل و فزاینده جهانی که محصول حاکمیت روابط اقتصادی سرمایه‌داری است.

۲-۴. سابقه تاریخی بحث جهانی شدن
برخی از اندیشه‌گران با ملحوظ داشتن ابعاد عینی فرآیند جهانی شدن در دهه‌های اخیر، آن را پدیده‌ای یکسره نوین و بدون پس زمینه‌های تاریخی و اقتصادی تلقی می‌کنند. در مقابل بعضی دیگر از متفکران، سابقه تاریخی فرآیند جهانی شدن را در سالهای آغازین تشکیل نظام سرمایه‌داری می‌دانند.

«منطق درونی^۱ و نیروی محرکه اصلی^۲ نظام سرمایه‌داری یعنی انباشت دائم‌التراید سرمایه برای سرمایه‌گذاری مجدد از همان آغاز سودای جهانشمول داشت.» (۲۳)

گیدر نیز از جمله متفکرانی است که معتقد است: «جهانی شدن، اگر چه امروز به سرعت گسترش بی‌یابد، به هیچ وجه پدیده کاملاً جدیدی نیست و از زمانی در حدود دو یا سه قرن پیش که نفوذ غرب شروع به گسترش به سراسر جهان کرده آغاز گردید.» (۲۴)
بعضی از نویسندگان پا را از این فراتر نهاده مدعی‌اند از دیدگاه انسان‌شناسی فرآیند جهانی شدن را دموکریت^۳ فیلسوف یونانی مطرح کرده است و جهانی شدن پدیده‌ای نیست که بشر به

1. Inner Logic

2. Prime Mover

3. Demokrit

تازگی به آن رسیده باشد. دموکریت می دانست که انسان به دلیل صاحب «عقل» بودن همه جا را همانند خانه خودش ارزیابی می کند: «برای مرد عاقل همه درهای زمین باز است، جهان سرزمین مادری وجدانهای خوب است.» (۲۵)

از این مناقشات نظری در باب آغاز شکلگیری فرآیند جهانی شدن که بگذریم، اکثر دانشمندان بر این نظر اجماع دارند که در دهه های اخیر به علت وقوع انقلاب در فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطاتی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، فرآیند جهانی شدن گسترش و عینیت بیشتری یافته است.

۳-۴. ویژگیهای جهانی شدن

فرآیند جهانی شدن در عرصه اقتصاد بیش از عرصه های دیگر زندگی اجتماعی نهادینه شده است. نهادهای بین المللی نظیر بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و... در این زمینه نقش قابل توجهی ایفاء کرده اند. این نهادهای بین المللی به هنگام تقاضای کشورهای مختلف برای استفاده از مزایای نظیر دریافت وام، عضویت در سازمان تجارت جهانی و... شرایطی را که از ضروریات جهانی شدن سرمایه داری است، پیش روی آنها فرار می دهند و پذیرش تقاضای آنها را منوط به رعایت آن شرایط از جانب کشورهای متقاضی وام یا عضویت در سازمان تجارت جهانی می کنند. حذف یارانه، حذف موانع گمرکی، تغییر قوانین مخالف با سرمایه گذاری خارجی، حاکمیت اصل رقابت در بازار و... از جمله این پیش شرطهاست. فرآیند جهانی شدن با استفاده از ماهواره و اینترنت و تبلیغ جریان آزاد (و صد البته نابرابر) اطلاعات بر آن است که آزادی، دموکراسی و حقوق بشر را در سطح جهانی گسترش دهد. از دیگر پیامدهای جهانی شدن کاهش اهمیت مرزهای سیاسی - جغرافیایی بین دولت - ملتها و مشروعیت زدایی از گفتمانهای ناهماهنگ یا نظام سرمایه داری است. بدین سان حیطه حاکمیت و اقتدار ملی کشورها تحدید و تهدید می شود؛ همان گونه که کارل مارکس در سال ۱۸۴۸ م اظهار داشت که سرمایه همه مرزها و حتی دیوار چین را درمی نوردد. در بخشی از کتاب «مانیفست» مارکس چنین آمده است:

«بورژوازی با پیشرفت پرشتاب تمام ابزارهای تولید و با تسهیل بی اندازه وسایل ارتباطی، تمام ملتها و حتی نامتمدن ترین آنها را جذب تمدن می کند... تمام ملتها را مجبور می کند از بیم نابودی، شیوه تولید بورژوازی را بپذیرند... خلاصه جهانی مطابق نقشه خویش می آفریند.» (۲۶)

به طور خلاصه می توان ویژگیهای ذیل را برای فرآیند جهانی شدن برشمرد:

یک. فرامرزی بودن در سیستم زیستی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

دو. تحرک بسیار در مکانیسم تولید، سرمایه و دانش

سه. چندگانگی در گزینش؛ در نتیجه وجود امکانات مختلف در گزینش یک تصمیم، عدم اطمینان در تصمیم‌گیری افزایش می‌یابد.

چهار. فرسایش مشروعیت دولت - ملتها (۲۷)

پنج. روند مقررات زدایی از مناسبات بین‌المللی، بویژه در حوزه اقتصاد و سرمایه‌گذاری

شش. پیشرفت سریع تکنولوژیهای ارتباطی نوین و فشرده شدن زمان و مکان و تحول فضا

هفت. تغییر و جابه‌جایی سریع روابط اجتماعی و از بین رفتن نسبی مرزهای میان‌داخلی و خارج

هشت. توسعه همزمان فرآیند تکرر و فرآیند یکسان شدن و همانندی (۲۸)

۵. ساز و کار اثرگذاری جهانی شدن بر فرار مغزها

به اعتقاد تالرها «نشانه سر برآوردن اقتصادهای متکی بر دانش و برخوردار از تکنولوژی

پیشرفته، چندبرابر شدن مجاری بازاریابی، آزاد شدن جریانهای سرمایه، پوشش انسانها، کالاها، خدمات و

به ویژه اطلاعات از این سو به آن سوی مرزهای است که هرچه بیشتر نفوذپذیر می‌شوند.» (۲۹)

اقتصاد سرمایه‌داری با بهره‌گیری از فرصتهای ناشی از جهانی شدن (تحرك فراوان نیروی

انسانی، کاهش اهمیت مرزها، کاهش کنترل دولتها و...) نیازهای خویش به نیروی متخصص در

فناوری برتر را تأمین می‌کند. پرداخت حقوق بالا و تسهیل قوانین مهاجرت متخصصان و متفکران

از جمله اقداماتی هستند که کشورهای پیشرفته برای جذب متخصصان ماوراء بحار انجام می‌دهند:

«برای مثال طرح دولت آلمان در ارائه مجوز ویژه اشتغال به متخصصان فناوری برتر موجب جذب

متخصصان زیادی از کشورهای دیگر شد. طبق آمار مؤسسه بین‌المللی اطلاعات، پانزده کشور

اتحادیه اروپا، با کمبود ۱/۹ میلیون نفر نیروی متخصص صنایع فناوری برتر مواجه هستند. این

کمبود نیرو باعث شده است که در ده سال گذشته در حدود ۷۰۰ هزار جوان تحصیلکرده از

بلغارستان، ۴۰۰ هزار نفر از رومانی و ۶۰ هزار نفر از مالدیو به کشورهای توسعه یافته مهاجرت

کنند. سایر کشورهای اروپای شرقی نیز با مشکل فرار مغزها روبرو هستند.» (۳۰)

دره سیلیکون^۱ که از مهم‌ترین قطبهای اقتصادی آمریکاست، سهم عمده‌ای در جذب نیروهای

متخصص کشورهای جهان دارد. تام پترز^۲ نظریه پرداز با نفوذ رشته مدیریت در این مورد می‌گوید:

«یکی از بزرگترین رازهای دره سیلیکون در دزدیدن سرمایه انسانی از جهان سوم است. شاید

بومیان [این دره] در حال ترک آن جا باشند، اما شمار هندیها و تایوانیهای که وارد می‌شوند بر

آنان می‌چربد.» (۳۱)

با گسترش عرصه فعالیت شرکت‌های بزرگ و نفوذ آنها به بازارهای جهانی، پدیده کار و مکانیسم تعادلی آن نیز آرام آرام از کنترل اقتصادهای محلی خارج شده و در حال جهانی شدن است. از پیامدهای این تحول می‌توان به افزایش ترک وطن و بالا رفتن سرعت جابه‌جایی نیروی کار بخصوص مغزها اشاره کرد. یکی دیگر از عوامل فرار مغزها در سطح جهان، بنگاههای موسوم به شکارچی مغزها^۱ هستند. کشورهای توسعه یافته با تأسیس و حمایت از چنین بنگاههایی نقش مهمی در ربودن مغزها از کشورهای در حال توسعه ایفاء می‌کنند.

اما در عصر جهانی شدن، پدیده فرار مغزها دستخوش تغییر شده است. بدین معنا که، بر اثر انقلاب در فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطاتی، زمان و مکان فشرده شده و افراد متخصص می‌توانند بدون این که مرزهای سیاسی - جغرافیایی را پشت سر بگذارند و تنها با استفاده از شبکه جهانی اینترنت به استخدام شرکت‌های خارجی درآیند و تولیدات علمی و فکری خویش را در اختیار آنها قرار دهند. بنابراین در حالی که افراد متخصص در ظاهر در کشور خود زندگی می‌کنند اما در واقع جزو مهاجران به شمار می‌روند؛ شاید بتوان این افراد را «مهاجران پنهان» نامید. دکتر محمدحسن باستانی استاد دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف در همین رابطه می‌نویسد: «بسیاری از کارشناسان را می‌شناسیم که در داخل کشور زندگی می‌کنند ولی با قراردادی که با یکی از مراکز علمی و تحقیقاتی خارجی بسته‌اند وقت خود را وقف فعالیت برای آن مرکز یا شرکت کرده‌اند و خود را بیشتر وابسته به آن جا و عضوی از اعضای آن [کشور] احساس می‌کنند تا شهروندی در میان هم میهنان خود.» (۳۲)

پیشرفت فن‌آوری یکی دیگر از دلایل جهانی شدن و فرار مغزهاست. به دلیل پیشرفتهای دنیای پزشکی در غرب، متوسط عمر افراد به طور مداوم افزایش می‌یابد و به علت افت مستمر میزان زاد و ولد، کشورهای توسعه یافته با کمبود نیروی انسانی متخصص مواجه شده‌اند. از این رو این کشورها برای تأمین نیروهای انسانی متخصص مورد نیاز، اقدامات مختلفی را به انجام رسانده‌اند که از جمله آنها می‌توان به تسهیل شرایط قانونی مهاجرت متخصصان اشاره کرد. یکی دیگر از روشهای جذب نیروهای متخصص این است که کشورهای توسعه یافته با تأسیس دانشگاه‌های مجازی و از طریق آموزش از راه دور شبکه جهانی اینترنت، نیروهای انسانی کشورهای در حال توسعه را در موطن خویش آموزش می‌دهند و سعی می‌کنند که این افراد بدون خروج از مرزهای سیاسی - جغرافیایی و تقبل هزینه‌های مرتبط با حضور این افراد در کشورهای توسعه یافته، آموزش تخصصی داده شوند و در نهایت پس از فراغت از تحصیل افراد مزبور، آنها

را دعوت به مهاجرت می‌کنند تا از خدمات تخصصی آنها در بخشهای مختلف اقتصادی بهره‌مند شوند:

«آغاز به کار دانشگاههای الکترونیک در سال ۲۰۰۰م، بهترین وسیله برای تقویت بنیه تخصصی نسلی شده است که قرار است به منزله نیروی کار از کشورهای در حال توسعه، راهی کشورهای پیشرفته شوند. جوانان کشورهای در حال توسعه با بهره‌گیری از امکاناتی که دانشگاههای الکترونیک در اختیار آنان می‌گذارند، بی‌آن که درگیر مشکلات ورود به دانشگاههای بومی در کشورهای خود شوند، تخصصها و تواناییهای علمی لازم را از طریق شبکه‌های الکترونیک فرا می‌گیرند و آن گاه با دعوت دانشگاههایی که از طریق آنها دانش آموخته‌اند، راهی کشورهای میزبان خواهند شد.» (۳۳)

بر اثر توسعه فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی نظیر شبکه جهانی اینترنت و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، زمان و مکان فشرده شده و نمی‌توانند همانند گذشته مانعی در برقراری ارتباطات اجتماعی جهانی به شمار آیند؛ زیرا از طریق این رسانه‌ها می‌توان در هر لحظه از زمان با فرد مورد نظر در هر نقطه از جهان ارتباط برقرار کرد و از احوال او باخبر شد. چنین تحولی مسأله غربت و دوری از خانواده و خویشان را تا حدودی حل کرده است. از سوی دیگر، جهانی شدن با تضعیف ارزشهای فرهنگ ملی، بر حس وطن دوستی شهروندان را تهدید می‌کند و با طرح مفاهیم شهر جهانی و شهروند جهانی به جای شهروند ملی، زمینه‌های فکری فرار مغزها را پدید آورده است.

از دیگر آثار جهانی شدن، تهدید هویت ملی کشورهاست؛ فناوریهای نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی با توزیع انبوه اطلاعات در سطح جهان، مخاطبان خود را دچار نوعی از چاکندگی^۱ می‌کنند که در این حالت افراد به مرور زمان با ارزشهای فرهنگی خویش بیگانه می‌شوند و تعلقات عاطفی خویش را به سرزمین خویش از دست داده و با ایجاد بحران هویت در میان شهروندان، جاذبه‌های کشورهای توسعه یافته را بیش از پیش در معرض دید مخاطبان قرار می‌دهند و به لحاظ دافعه‌هایی که در کشورهای در حال توسعه موجود است زمینه‌های اجتماعی فرار مغزها فراهم می‌شود. از جمله دافعه‌های موجود در کشورهای در حال توسعه مشکلات مربوط به بیکاری و اختلاف سطح زندگی است. از این رو فناوریهای نوین اطلاعاتی با تبلیغ فرصتهای شغلی در غرب، نیروهای متخصص را تشویق به مهاجرت می‌کنند: «یکی از جنبه‌های نگران‌کننده اینترنت در ایران تبلیغ شدید فرصتهای شغلی در خارج از کشور برای متخصصان ایرانی است. این

موقعیتهای شغلی که از طریق شرکتهای چند ملیتی یا اداره‌های مهاجرت کشورهای صنعتی ترویج می‌شود، جامعه دانشگاهی و سرمایه‌گذاران ایرانی را به مهاجرت علمی و تجاری دعوت می‌کنند و در نتیجه فرار مغزها و سرمایه‌ها را هموار می‌سازند و این نمودی از جهانی شدن شغل و سرمایه است.» (۳۴)

بر اساس گزارشهای مطبوعات، دانشجویان و استادان دانشگاههای ایران از طریق شبکه جهانی اینترنت به اطلاعات مورد نیاز خویش دست می‌یابند و با اخذ پذیرش و اعلام نیاز از دانشگاهها و مراکز اقتصادی خارج اقدام به مهاجرت می‌کنند:

«دانشکده برق دانشگاه صنعتی شریف به کانون مهاجران تبدیل شده است. سایر دانشکده‌های دانشگاه نیز روزانه شاهد مراجعانی است که از طریق اینترنت بدنبال اطلاعاتی درباره شرایط پذیرش و مهاجرت می‌گردند. دکتر محمد حایری استاد کنترل و مدیر آموزش دانشکده برق می‌گوید: مسؤول یک شرکت آمریکایی طی تماس با یک فارغ‌التحصیل رشته کارشناسی دانشکده، شصت هزار دلار درآمد سالیانه و شش هزار دلار بابت اجاره خانه را به وی وعده داد. دانشجوی دیگری با وجود اینکه تنها یک ترم از مدت تحصیل وی می‌گذشت، نامهای در دست داشت که نشان می‌داد از طرف دانشگاه استنفورد مبلغ سی هزار دلار زیر عنوان هزینه تحصیل وی در آن دانشگاه در نظر گرفته شده است.» (۳۵)

نتیجه‌گیری

بر اثر فرآیند جهانی شدن، کالاها، خدمات، ارزشها، نیروی انسانی، سرمایه و... همه در حال حرکت و تغییر و تحول هستند. با ظهور فناوریهای نوینی مانند شبکه جهانی اینترنت و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای پدیده فرار مغزها از نظر مفهومی نیز دچار تغییر شده است، به گونه‌ای که فردی ممکن است یا از کشور بیرون نگذارد، اما به لحاظ این که، تولیدات فکری و علمی خویش را در اختیار مجامع علمی و اقتصادی کشورهای توسعه یافته قرار می‌دهد و به نوعی دارای رابطه استخدامی با آنهاست، جزو مهاجران محسوب می‌شود. با توصیف وضع فوق باید گفت به همان نسبتی که کشورهای پیشرفته با بهره‌گیری از فناوریهای نوین از نیروهای انسانی متخصص کشورهای جهان سوم استفاده می‌کنند، کشورهای در حال توسعه نیز می‌توانند از طریق همین فناوریها، استفاده بهینه‌ای از مهاجران متخصص به عمل آورند. به نظر می‌رسد با تغییرات جهانی رخ داده، دیگر زمان کاربرد گزینه‌های اجباری یا بازدارنده گذشته باشد و گزینه استفاده از مهاجران متخصص دارای مطلوبیت بیشتری است.

یادداشتها

1. "Brain Drain Costs Developing Countries Billions", *Human Development Report 2001*. P:E-5-1
www. Undp. Org/hdr 2001.
متن فوق با ترجمه نگارنده در روزنامه همبستگی، (شماره ۲۸۶، تاریخ ۸۰/۷/۲۹، صفحه ۹)
منتشر شده است.
۲. هانتینگتون، ساموئل، برخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمید رحیمی،
۱۳۷۸، تهران، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی، صفحه ۳۱۴.
۳. تافلر، آلون وهایدی، جنگ و پاد جنگ، ترجمه مهدی بشارت، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵،
ص ۱۹۷.
۴. پیران، پرویز، طرح تحقیق منتشر نشده‌ای که در معاونت پژوهشی دانشگاه علامه طباطبائی موجود
است.
5. Johnson, Jean M. and Mark C. Regels, International Mobility of Scientists and Engineers to
the United States, *Brain Drain or Brain Circulation?* P:4 <http://www.nsf.gov/sbe/srs/issuebrf/sib98316.htm>.
۶. ابراهیم آبادی، حسین، مهاجرت نخبگان، تهران، انتشارات، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی
فرهنگی واجتماعی، معاونت فرهنگی واجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۹، ص ۵.
۷. حجاریان، سعید، روزنامه نوروز، شماره ۹۱، ۸۰/۵/۴، صفحه ۳ و روزنامه حیات نو، شماره
۳۱۷، ۸۰/۴/۲۰، ص ۱
8. "International Mobility...", Op.cit., pp. 7-10.
۹. روزنامه اطلاعات، ۸۰/۲/۲۵، ص ۸.
۱۰. ابراهیم آبادی، حسین، پیشین، ص ۳.
۱۱. وقوفی، حسن، فرار مغزها، تهران، انتشارات زهد، ۱۳۸۰، صص ۲۵ - ۲۴.
۱۲. ابراهیم آبادی، حسین، پیشین، صص ۴-۳.
۱۳. جولیس گولد، ویلیام م له کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پیرهام و دیگران، تهران،
انتشارات مازیار، ۱۳۷۶، صص ۸۲۲-۸۲۱.
14. *Brain Circulation Replacing Brain Drain to U.S. As Foreign, Born Scientists, Engineers Return Home* www. Onlinejournal.net/iri/RTM/1999

۱۵. ابراهیم آبادی، حسین، پیشین، ص ۴.
۱۶. رجایی، فرهنگ، پدیده جهانی شدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات آگاہ، ۱۳۸۰، ص ۲۱.
۱۷. داریوش آشوری این معادل را وضع کرده است.
۱۸. پهلوان، چنگیز، فرهنگ شناسی، تهران، انتشارات قطره، ۱۳۷۸، پاورقی ص ۴۰۷.
۱۹. گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نی، ۱۳۷۳، ص ۵۵۸.
۲۰. گفتگو با داریوش اخوان زنجانی، ماهنامه فکرتو، سال سوم، شماره ۸، اول دی ماه ۱۳۷۹، ص ۶.
21. File://A:/Globalization, Youth Ministry and the church. htm. P:1
۲۲. ضمیمه روزنامه اطلاعات، ۸۰/۳/۱۶، ص ۸.
۲۳. پیران، پرویز، جامعه شناسی، (جزوه درسی) نرم دوم، سال تحصیلی ۸۰ - ۱۳۷۹، مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی.
۲۴. گیدنز، آنتونی، پیشین، ص ۵۵۸.
۲۵. طبری، اسفندیار، صص ۷ - ۱ بهمن ۱۳۷۹. به نقل از:
- IRANEMROOZ (Iranian Political Bulletin)
۲۶. مرتضوی، حسن، همشهری ماه (ماهنامه روزنامه همشهری)، شماره ۱، سال اول، شهریور ۱۳۸۰، ص ۵۷.
۲۷. طبری، اسفندیار، پیشین، ص ۲.
۲۸. ابراهیم آبادی، حسین، پیشین، ص ۲۰.
۲۹. الوین، تافلر، پیشین، ص ۲۵۰.
۳۰. تحولات جهانی در فناوریهای برتر (ضمیمه دو هفته نامه خبری صنعت ساز)، سال دوم، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲، ص ۴
۳۱. تافلر، الوین، پیشین، ص ۱۹۷.
۳۲. روزنامه بهار، ۷۹/۵/۱۵، ص ۷.
۳۳. روزنامه جام جم، ۸۰/۸/۱۲، ص ۱۲.
۳۴. روزنامه جام جم، ۸۰/۵/۴، ص ۸.
۳۵. روزنامه ایران، ۱۳۷۹/۴/۸، ص ۵.